



## اصول فقه ۴ (حلقه ثالثه)

# درس ۱۶

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین علم الهدی

آموزشیار: آقای یاسر سعادت‌ی

در درس‌های قبل گذشت که سه اعتراض بر دلالت صحیحۀ شک در رکعات بر استصحاب وارد شده است؛ اعتراض اول، حمل این صحیحۀ بر اصالة الاشتغال بود که شهید صدر فرمودند: حمل این روایت بر اصالة الاشتغال خلاف ظاهر است و تا قرینه‌ای وجود نداشته باشد، چنین حملی جایز نیست؛ اما در پاسخ اعتراض دوم که عبارت است از ناسازگاری قاعدۀ استصحاب با حکم متفق علیه شیعه، پاسخ‌هایی از محقق عراقی و آخوند خراسانی بیان شد که این پاسخ‌ها از نظر شهید صدر تمام نبودند. در این درس پاسخی از میرزای نائینی به این اعتراض بیان می‌شود که این پاسخ نیز مورد ایراد و اشکال شهید صدر واقع شده و مردود شمرده می‌شود؛ لذا به نظر شهید صدر، این اعتراض بر صحیحۀ شک در رکعات، وارد است؛ لذا وارد بودن این اعتراض ر قرینه‌ای بر حمل این روایت بر اصالة الاشتغال می‌دانند. ایشان در ادامه، علت عطف‌های متعدد تفسیری در این روایت را تقیه می‌دانند؛ البته تقیه در روش بیان حکم واقعی، نه تقیه در خود حکم واقعی.

[و قد اعترض على الاستدلال المذكور باعتراضات... الثاني: أن تطبيق الاستصحاب على مورد الرواية متعذر فلا بد من تأويلها ... و قد أجيب على هذا الاعتراض بوجهه....]

و منها: ما ذكره المحقق النائيني (ره) من افتراض أن عدم الإتيان بالركعة مع العلم بذلك موضوع واقعاً لوجوب الركعة الموصولة، و عدم الإتيان بها مع الشك موضوع واقعاً لوجوب الركعة المفصولة. و على أساس هذا الافتراض إذا شك المكلف في الركعة فقد تحقق أحد الجزئين لموضوع وجوب الركعة المفصولة وجداناً و هو الشك، و اما الجزء الآخر و هو عدم الإتيان فيحرز بالاستصحاب و عليه فالاستصحاب يجري لإثبات وجوب الركعة المفصولة بعد افتراض كونه ثابتاً على النحو المذكور. و هذا التصحيح للاستصحاب في المورد و إن كان معقولاً غير أن حمل الرواية عليه خلاف الظاهر، لأنه يستبطن افتراض حكم واقعي بوجوب الركعة المفصولة على الموضوع المركب من عدم الإتيان و الشك، و هذا بحاجة إلى البيان مع أن الإمام اقتصر على بيان الاستصحاب على الرغم من أن ذلك الحكم الواقعي المستبطن هو المهم، إذ مع ثبوته لا بد من الإتيان بركعة مفصولة حينئذ سواء جرى استصحاب عدم الإتيان أو لا، إذ تكفي نفس أصالة الاشتغال و الشك في وقوع الركعة للزوم إحرازها. فالعدول في مقام البيان عن نكتة الموقف إلى ما يستغنى عنه ليس عرفياً. و من هنا يمكن أن يكون الاعتراض الثاني بنفسه قرينة على حمل الرواية على ما ذكر في الاعتراض الأول، و إن كان خلاف الظاهر في نفسه. و بالحمل على ذلك يمكن أن نفسر النهي عن خلط اليقين بالشك و إدخال أحدهما بالآخر بلن المقصود التبيه بنحو يناسب التقية على لزوم فصل الركعة المشكوكة عن الركعات المتيقنة.

## پاسخ محقق نائینی به اعتراض دوم بر صحیحہ شک در رکعات

محقق نائینی در پاسخ به اشکال شیخ انصاری (ره) بر صحیحہ شک در رکعات فرموده‌اند: اگر عدم اتیان رکعت چهارم به اضافه علم به آن، موضوع وجوب اتیان یک رکعت متصل باشد، و عدم اتیان رکعت چهارم با شک در آن، موضوع وجوب اتیان یک رکعت منفصل باشد دیگر اشکالی بر این صحیحہ وارد نمی‌شود.

به عبارت دیگر، اگر مکلف در واقع رکعت چهارم را اتیان نکرده باشد، از دو حال خارج نیست؛ یا می‌داند رکعت چهارم را نخوازه است که در این صورت باید یک رکعت متصل را به جا آورد، و یا شک در اتیان رکعت چهارم دارد که در این صورت باید یک رکعت منفصل به جا آورد.

خلاصه این‌که، موضوع وجوب اتیان یک رکعت متصل، از دو جزء تشکیل می‌شود:

الف) عدم اتیان رکعت چهارم در واقع. ب) علم به عدم اتیان رکعت چهارم.

موضوع وجوب اتیان یک رکعت منفصل نیز مرکب از دو جزء می‌باشد:

الف) عدم اتیان رکعت چهارم. ب) شک در اتیان رکعت چهارم.

امام (ع) در این صورت، برای حکم به وجوب اتیان یک رکعت منفصل، موضوع آن را برای زرارہ بیان می‌کنند که یک جزء آن - که شک است - بالوجدان وجود دارد؛ اما عدم اتیان رکعت چهارم محرز نیست که امام (ع) با حکم استصحاب عدم اتیان رکعت چهارم، در واقع اثبات می‌کنند که با احراز این جزء، موضوع وجوب اتیان یک رکعت منفصل تمام می‌شود.

**نتیجه:** اجرای استصحاب در این صورت از سوی امام (ع) صحیح است؛ زیرا امام (ع) در این جا، برای احراز یک جزء موضوع، حکم استصحاب جاری می‌کنند که همان عدم اتیان رکعت چهارم در واقع می‌باشد. پس اجرای استصحاب در این صورت هیچ گونه منافاتی با حکم ثابت در مذهب شیعه ندارد.

## متن عربی و نکات تطبیقی

و منها (۱): ما ذكره المحقق النائيني (ره) من (۲) افتراض أن عدم الإتيان بالرابعة مع العلم بذلك (۳) موضوع (۴) واقعاً لوجوب الركعة الموصولة، و عدم الإتيان بها (۵) مع الشك موضوع واقعاً لوجوب الركعة المفصولة (۶).

۱. مرجع ضمير: الاجوبة؛ یعنی از پاسخ‌هایی که بر اعتراض دوم وارد شده است.

۲. بیان «ما ذكره».

۳. مشارٌ اليه: عدم الاتيان.

۴. خبر «أن».

۵. مرجع ضمير: عدم الإتيان بالرابعة.

۶. یعنی: رکعت منفصل.

و علی أساس هذا الافتراض (۱) إذا شك المكلف في الرابعة (۲) فقد تحقق أحد الجزئين لموضوع وجوب الركعة المفصولة وجداناً و هو (۳) الشك، و اما الجزء الآخر و هو (۴) عدم الإتيان فيحرز (۵) بالاستصحاب و عليه (۶) فالاستصحاب يجري لإثبات وجوب الركعة المفصولة بعد افتراض كونه (۷) ثابتاً على النحو المذكور (۸).

۱. یعنی: بنا بر این فرض که موضوع وجوب، یک رکعت منفصل مرکب از عدم اتیان رکعت چهارم و شک در آن باشد.
۲. متعلق جار و مجرور: شک.
۳. مرجع ضمیر: احد الجزئین.
- ۴ و ۵. مرجع ضمیر: الجزء الاخر.
۶. یعنی: بنا بر این که موضوع وجوب یک رکعت منفصل، مرکب از عدم اتیان رکعت چهارم و شک در آن باشد
۷. مرجع ضمیر: وجوب رکعت منفصل.
۸. یعنی: بر این نحو که موضوع وجوب اتیان یک رکعت منفصل، مرکب از عدم اتیان رکعت چهارم و شک در آن باشد.

Sco۱: ۰۹:۰۲

### اشکالات شهید صدر به پاسخ محقق نائینی به اعتراض دوم بر صحیحه شک در رکعات

**اشکال اول:** نیازی به استصحاب برای احراز جزء موضوع نیست؛ زیرا در حالت شک بین سه و چهار، مکلف یا واقعاً سه رکعت خوانده است - که موضوع وجوب اتیان یک رکعت منفصل می باشد- و یا واقعاً چهار رکعت خوانده است که این یک رکعت منفصل، به خاطر فاصله شدن تشهد و سلام بین نماز و آن یک رکعت، خللی به اصل نماز وارد نمی کند. پس مکلف در این صورت که شک در اتیان رکعت چهارم دارد - در فرض این که عدم اتیان رکعت چهارم و شک در آن، موضوع وجوب یک رکعت منفصل می باشد- باید به حکم اصالة الاشتغال، تشهد و سلام بدهد و یک رکعت منفصل به جا آورد، بدون این که نیازی به اجرای استصحاب باشد. چون مکلف یا سه رکعت خوانده است که در این صورت موضوع وجوب، یک رکعت منفصل تمام است و باید یک رکعت منفصله به جا آورد، و یا چهار رکعت خوانده که در این صورت تشهد و سلام در جای خود بوده و یک رکعت منفصل، خللی به آن وارد نمی کند؛ چون شک در امتثال تکلیف یقینی می باشد. پس برای این حکم اصلاً نیازی به اجرای استصحاب نیست.

### اشکال دوم: حمل این روایت بر بیان محقق نائینی خلاف ظاهر آن می باشد

اگر واقعاً مراد امام «علیه السلام» این بوده است که بیان کند موضوع رکعت منفصل، مرکب از عدم اتیان رکعت چهارم و شک در آن می باشد، بر امام لازم بود که آن را بیان کنند، نه قاعده استصحاب را؛ زیرا همان طور که در اشکال قبلی گذشت، اگر موضوع وجوب اتیان یک رکعت منفصل، مرکب از دو جزء مذکور باشد، هیچ نیازی به اجرای استصحاب نیست و طبق قاعده اشتغال نیز، مکلف باید یک رکعت منفصل را اتیان نماید؛ لذا قابل قبول نمی باشد که امام (ع) از آن مطلب کلیدی (بیان این که موضوع وجوب یک رکعت منفصل مرکب از دو جزء است) عدول کرده باشد و به جای آن به بیان استصحاب که هیچ ضرورتی ندارد، پرداخته باشند آن هم با عطف جمل متعدد و مترادف؛ زیرا این چنین عدولی بر خلاف سیره قطعی عقلا و روش عرفی می باشد؛ لذا حمل این روایت بر آن چه که محقق نائینی فرموده اند، خلاف ظاهر عرفی می باشد.

## متن عربی و نکات تطبیقی

و هذا التصحيح للاستصحاب في المورد (۱) و إن كان معقولاً (۲) غير أن حمل الرواية عليه (۳) خلاف الظاهر، لأنه (۴) يستبطن (۵) افتراض حكم واقعي بوجود الركعة المفصولة (۶) على الموضوع المركب من عدم الإتيان والشك، وهذا (۷) بحاجة (۸) إلى البيان (۹)

۱. یعنی: مورد روایت که شک بین سه و چهار است.

۲. یعنی: اگر چه می تواند پاسخ اشکال را بدهد.

۳ و ۴. مرجع ضمیر: التصحيح.

۵. یعنی: در بر دارد.

۶. متعلق جار و مجرور: حکم.

۷. مشارک‌الیه: افتراض.

۸. متعلق جار و مجرور: «یکون» محذوف.

۹. متعلق جار و مجرور: البيان.

مع أن الإمام اقتصر على بيان الاستصحاب على الرغم من أن ذلك الحكم الواقعي المستبطن (۱) هو المهم، إذ مع ثبوته (۲) لا بد من الإتيان بركعة مفصولة حينئذ (۳) سواء جرى استصحاب عدم الإتيان أو لا، إذ (۴) تكفي نفس أصالة الاشتغال و الشك (۵) في وقوع (۶) الرابعة للزوم (۷) إحرازها (۸). فالعدول في مقام البيان عن نكتة الموقف (۹) إلى ما يستغنى عنه (۱۰) ليس عرفياً.

۱. یعنی: حکمی که در بطن این تفسیر خوابیده است.

۲. مرجع ضمیر: الحكم.

۳. یعنی: حین شکه فی اتیان الركعة الرابعة.

۴. علت برای لا بد.

۵. معطوفاً علیه: أصالة الاشتغال.

۶. متعلق: الشك.

۷. متعلق: تكفي.

۸. مرجع ضمیر: الركعة الرابعة.

۹. یعنی: بیان این که موضوع وجوب یک رکعت منفصل، مرکب از عدم اتیان رکعت چهارم و شک در آن می باشد.

۱۰. مرجع ضمیر «ما»: استصحاب.

Sco<sup>۲</sup>: ۲۰:۱۱

نتیجه بررسی پاسخ‌های علما به اعتراض دوم بر صحیحه شک در رکعات

در پاسخ از اعتراض دوم، سه جواب از محقق عراقی و آخوند خراسانی و میرزای نائینی ارائه شد که اعتراضی نیز به این پاسخ‌ها شد. شهید صدر این اعتراضات را بر دلالت این صحیحیه بر قاعده استصحاب وارد می‌دانند، لذا طبق این اعتراض، حمل این صحیحیه بر قاعده استصحاب متعذر و مشکل است.

### نکته: صحت حمل این صحیحیه بر اصالة الاشتغال

در پاسخ از اشکال و اعتراض اول بر صحیحیه شک در رکعات، گفتیم حمل این صحیحیه بر اصالة الاشتغال بر خلاف ظاهر است و تا قرینه‌ای وجود نداشته باشد، نمی‌توان بر این خلاف ظاهر ملتزم شد که اعتراض دوم با توجه به وارد بودنش قوی‌تر از حمل این صحیحیه بر اصالة الاشتغال می‌باشد.

### علت عطف‌های متعدد تفسیری در صحیحیه شک در رکعات

محقق عراقی می‌فرمودند: این جملات برای بیان استصحاب است که مطابق با فتوای اهل سنت می‌باشد و امام (ع) در مقام بیان حکم تقیه‌ای می‌باشد. گفتیم مناسب نیست که بپای بیان یک حکم تقیه‌ای، این قدر بر روی یک جمله تأکید کرد. اما در این جا می‌گوییم امام (ع) در مقام بیان حکم واقعی هستند و در مقام بیان این هستند که در شک بین سه و چهار باید تشهد و سلام داد و یک رکعت منفصل اتیان نمود؛ منتها چون بیان حکم واقعی به صورت صریح و شفاف - به خاطر حضور عوامل دشمن در جلسه و غیر آن - برای امام (ع) ممکن نیست، لذا امام (ع) این حکم را در لفافه بیان نموده‌اند؛ به طوری که مخالف از حکم شیعی منحرف شده و توهم کند که امام، استصحاب را مطابق با فتوای اهل سنت بیان می‌کنند؛ اما از آن طرف بر روی این جمله با عطف‌های متعدد تفسیری تأکید می‌کنند تا این که شیعیان متوجه شوند که مراد امام (ع) بیان حکم واقعی است، نه حکم استصحاب. پس تقیه در روش بیان حکم واقعی است، نه در اصل بیان حکم واقعی. و سر این عطف‌های متعدد، تقیه است.

### متن عربی و نکات تطبیقی

و من هنا (۱) یمكن أن يكون الاعتراض الثاني بنفسه قرينة على حمل الرواية (۲) على ما ذكر في الاعتراض الأول (۳)، و إن كان (۴) خلاف الظاهر في نفسه. و بالحمل على ذلك (۵) یمكن أن نفسر النهی عن خلط اليقين بالشك و إدخال أحدهما (۶) بالآخر بلن المقصود التنبیه بنحو یناسب (۷) التقیة (۸) على لزوم فصل الركعة المشكوكة عن الركعات (۹) المتیقنة.

۱. هنا: مشاراً اليه: عدم تمامیت پاسخ‌هایی که به اعتراض دوم داده شده است.

۲. یعنی: صحیحیه شک در رکعات.

۳. یعنی: ظهور روایت در اصالة الاشتغال.

۴. مرجع ضمیر: ظهور روایت در اصالة الاشتغال.

۵. مشاراً اليه: ما ذكر في الاعتراض الاول.

۶. مرجع ضمیر: شك و یقین.

۷. مرجع ضمیر: نحو.

۸. مفعول «یناسب».

**Sco<sup>۳</sup>: ۳۰:۱۳**



۱. پاسخ میرزای نائینی به اعتراض دوم:

اگر موضوع وجوب، یک رکعت منفصل، مرکب از عدم اتیان رکعت چهارم و شک در آن باشد، استصحاب برای احراز عدم اتیان رکعت چهارم جاری می‌شود و شک هم که بالوجدان محرز است؛ لذا وجوب یک رکعت منفصل ثابت می‌گردد. بنابراین اجرای استصحاب در راستای احراز موضوع وجوب یک رکعت منفصل بوده و با حکم متفق علیه شیعه منافاتی ندارد.

۲. اشکال شهید صدر به پاسخ میرزای نائینی:

**اولاً:** اگر موضوع وجوب یک رکعت منفصل، مرکب از عدم اتیان رکعت چهارم و شک در آن باشد، احراز عدم اتیان به وسیله استصحاب برای خواندن یک رکعت منفصل لازم نیست، زیرا در این صورت با *اصالة الاشتغال*، وجوب یک رکعت منفصل ثابت می‌گردد، بدون نیاز به اجرای استصحاب؛ چون در این صورت، مکلف که شک بین سه و چهار دارد، یا واقعاً سه رکعت خوانده است - که در این صورت موضوع وجوب یک رکعت منفصل محقق بوده و یک رکعت منفصل در جای خودش اتیان گردیده است، و یا مکلف در واقع چهار رکعت خوانده که در این صورت، تشهد و سلام در جای خودش اتیان گردیده و یک رکعت منفصل، زائده می‌باشد.

**ثانیاً:** اگر موضوع وجوب یک رکعت منفصل مرکب بوده باشد، لازم بود که امام «علیه السلام» آن را بیان کنند، نه اجرای استصحاب را که نیازی به آن نیست؛ لذا بیان این قاعده استصحاب، به جای بیان مرکب بودن موضوع، یک امر غیر عرفی می‌باشد.

۳. اعتراض دوم بر صحیحۀ شک در رکعات وارد است؛ لذا حمل این صحیحۀ بر استصحاب، متعذر است.

۴. وارد بودن اعتراض دوم بر صحیحۀ شک در رکعات، قرینه‌ای بر صحت حمل این صحیحۀ بر *اصالة الاشتغال* می‌باشد.

۵. علت عطف‌های متعدد تفسیری در صحیحۀ شک در رکعات، تقیه در روش بیان حکم واقعی می‌باشد.